

با توجه به میزان  
آبی که در پشت  
سد کجک وجود  
داشت، برآورد همه  
عریزان این بود که  
باید حجم زیادی از  
آب پشت سد کجک  
یعنی بیش از نصفی  
از حجم سد باید  
رهاسازی بشود که  
بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون  
متر مکعب آب به  
ایران برسد

به سرعت از دسترس افرادی که در مجاورت رودخانه هستند، خارج می شود.

در بازگشت از موسی قلعه به رودخانه ارغنداب رسیدیم. اگر اشتباه نکنم به آن هم ارغنداب می گویند و هم موسی قلعه که می آید پایین دست سد کجک و هر دو رودخانه‌ها به هیرمند می ریزد. رودخانه ارغنداب هم همین حکایت را داشت؛ دقیقاً مثل رودخانه نوزاد که چیز عجیبی نبود. اگر در فصل های پرآب و بارانی سال، آبی به این مناطق بیاید، قطعاً اگر برفی باریده باشد و آب ناشی از ذوب شدن برف‌ها باشد، می تواند آب دائم یا طولانی مدت در این رودخانه‌ها جریان داشته باشد. در غیر این صورت اگر سیلابی باشد، قطعاً جریان آب موقتی است.

روز چهارم اطراف قندهار را بازدید کردیم، هم رودخانه ارغستان و هم رودخانه ترنگ، هر دو همین شرایط و مشخصات را داشتند. چهار رودخانه نوزاد، ارغنداب، ارغستان و ترنگ را بازدید کردیم؛ این‌ها رودخانه‌های فصلی و تحت تأثیر سیلاب‌ها هستند. این‌ها سیلاب‌های فصلی را در رودخانه هیرمند جاری می کردند و به سمت استان نیمروز افغانستان و سیستان جریان پیدا می کردند که حالا افغان‌ها با ایجاد سد کمال خان، تا حدودی توانسته اند این حرکت آب را کنترل کنند. در معاهده ۱۳۵۱ به هیچ وجه روی آب‌های سیلاب‌ها بحث نشده است. بحث در زمانی که سیلاب وجود ندارد و آب در بستر رودخانه هیرمند به حداقل می رسد، این است که طرف افغانستانی باید سالانه ۸۲۰ میلیون متر مکعب آب از سد کمال خان رهاسازی کند. زمانی که این معاهده بسته شد، اقلیم آن زمان مثل الان رو به خشکی نبود. با این حال هم گفتند سالی ۸۲۰ میلیون متر علاوه بر سیلاب‌ها باید از سد هم رهاسازی شود که طرف افغانستانی در این ایام و سال‌ها که خشکسالی حاکم شده، خیلی پای بند به این قضیه نیست؛ اما من حیث المجموع، با تمام ارتباطاتی که برقرار شد و مذاکراتی که انجام شد و صحبت‌هایی که بین تیم مذاکره کننده ایرانی و افغانستانی رد و بدل گشت، نهایتاً انتهای سفر ما در کابل به ملاقات وزیر خارجه افغانستان، جناب آقای مولوی امیرخان متقی، رسید. تمام این بحث‌ها حول این موضوع مهم بود که اولاً افغانستان با اصلاح سد کمال خان، شرایطی را به وجود بیاورد که دیگر آب به سمت گودزره منحرف نشود و از طرفی خود شرایط بند کمال خان را به شکلی اصلاح کنند که امکان افزایش خروجی بند باشد. چون در بند کمال خان ۳۰۰ میلیون متر مکعب آب امکان عبور از دریچه‌های بند را دارد و در زمان‌هایی هم سیلاب در یک مدت کوتاه با حجم زیاد می آید و اگر که این افزایش حجم خروجی از دریچه‌های سد کمال خان ایجاد نشود، باز هم امکان انحراف آب به سمت گودزره و مسیرهای انحرافی دیگر اجتناب ناپذیر است و قطعاً نمی توانست جلوی انحراف آب را بگیرند. به همین دلیل آنها مدعی بودند که اصلاحاتی در سد کمال خان ایجاد کرده‌اند؛ ایرانی‌ها درخواستی آزمایی این ادعا را کردند. نه از این جهت که متوجه شویم انجام شده یا نه؛ ما پذیرفتیم که آنها انجام دادند؛ از این جهت آزمایی انجام دادند تا بتوانند بهینه‌سازی سد کمال خان را انجام دهند.

مجموعه هیئت مهندسی را انتخاب کردند تا سد کمال خان را ارزش‌گذاری کنند. مهندسی ارزش برای سازه‌ها و طرح‌هایی است که در حال اجراست؛ وسط کار می خواهند تغییراتی ایجاد کنند؛ مثلاً بهینه‌سازی کنند یا مطالعات را تغییر بدهند که به سمت بهینه‌سازی حرکت کند. وقتی پروژه‌ای اجرا می شود، بعد از اجرامی خواهند بهینه‌سازی کنند؛ آن وقت مهندسی ارزش می کنند و از این تکنیک به بهینه‌سازی می رسند. این کار در وزارت نیرو انجام می شود. مهندسی طرح‌هایشان را در قالب این تکنیک مطالعه کردند و سه طرح را انتخاب کردند. آنها طرح خود را به افغانستانی‌ها گفتند تا نظر مهندسی ایرانی را هم برای اصلاح سد کمال خان ملاحظه کنند و اگر برایشان قابل پذیرش بود و می توانستند، مشکل انحراف آب از سد کمال خان را به حداقل برسانند که هم استان نیمروز افغانستان و هم سیستان از مشکل بی آبی خارج شوند.

خب افغانستانی‌ها هم پذیرفتند و قرار شد مطالبات آنها هم ارائه شود. طرف افغانستانی بنا به همه